

## بررسی اهداف تعلیمی بازنویسی‌های مثنوی مولوی در کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با تکیه بر نظریه فلسفه برای کودکان (فبک)

فاطمه ستاری<sup>۱</sup>، کامران پاشایی فخری<sup>۲\*</sup> و پروانه عادل‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

نظریه فلسفه برای کودکان لیمن با نام اختصاری «فبک» (p4c) یک الگوی آموزش تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت کودکان است که اهدافش توجه به تفکر انتقادی است و در آن تأکید شده است کودکان در محیط مدرسه و هرگونه کلاس آموزشی به اندیشیدن پردازند. داستان‌های بازنویسی شده از متون کهن، یک شیوه آموزشی برای مخاطب کودک و نوجوان می‌تواند باشد که اهداف لیمن در آن اجرا شود. بسیاری از حکایت‌های مثنوی برای کودکان و نوجوانان بازنویسی و بازآفرینی شده است که به واسطه اهداف تعلیمی مولوی در جهت آموزش و پرورش کودک و رشد تفکر انتقادی، نقش بسزایی دارد. در اصل حکایت‌ها بن‌مایه فلسفی وجود دارد، عنصر استدلال، گفتگو، چالش‌برانگیزی، پرسشگری در آنها در حد مطلوب است و می‌توانند برای برنامه فبک منابع قابل استفاده‌ای باشند، مقایسه بازنویسی‌ها با اصل حکایت و هدف مولوی نشان می‌دهد در مواردی به دلیل عدم درک محتوایی، عدم توجه به زبان مناسب مخاطب، تغییر محتوا و عدم توجه به پیام مولوی، صرفاً جنبه سرگرمی یافته و از اهداف آموزشی دور شده‌اند، بنابراین تفکر انتقادی برای کودک ایجاد نکرده است. لذا پیشنهاد می‌شود، با خوانش دوباره همراه با مربی، با یک اجتماع پژوهشی متون بازنویسی در جهت آموزش فلسفه برای کودکان بازسازی شوند. در این نوشتار ۱۲ کتاب که از حکایت‌های مولوی که برای گروه سنی «د» در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنویسی شده است با توجه به مؤلفه‌های فبک بررسی گردیده است به موازات آن ساختار زبانی، محتوایی بازنویسی‌ها تحلیل شده است.

**کلید واژه‌ها:** بازنویسی، فلسفه، کانون، کودک، لیمن، مثنوی، مولوی.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

sattari6226@yahoo.com

<sup>۲</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Pashaiekamran@yahoo.com

<sup>۳</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Adelzadehparvaneh@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

بازنگری: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

وصول: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

## ۱- مقدمه

یکی از اهداف اصلی تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، پرورش شیوه تفکر است، در این زمینه بحث فلسفه برای کودکان یا فبک از سوی «ماتیو لیپمن» مطرح شده است. «در ایران این الگوی تربیتی تحت عنوان فلسفه برای کودکان معرفی شده است علاوه بر این، ترجمه کتاب داستان‌های فکری به فارسی، زمینه را برای مطالعات بیشتر فراهم ساخته است». (جهانی، ۱۳۸۱: ۳۸) لیپمن محتوای مناسب برای پرورش تفکر کودکان را بهره‌گیری از داستان‌های خاصی معرفی کرده است که در بردارنده آراء و اندیشه‌های متنوع فلسفی بوده و به ابعاد مختلف تفکر فلسفی همچون داوری، استدلال، احترام، قدردانی و دلسوزی پرداخته باشند. (هدایتی، کوشا، ۱۳۹۶: ۱۷۳-۱۷۴) بنابراین هنگامی که داستان به خوبی طرح شود ادراکی را خلق می‌کند که موجب می‌شود کودک بتواند گیرایی داستان را دریابد، در رویدادهای داستان تأمل کند و تجربه‌های موجود در آن را درک کند. (رشتچی، ۱۳۸۹: ۲۹) در ادبیات فارسی، آثار بسیاری در قالب داستان و حکایت، وجود دارد که می‌تواند در تفکر انتقادی مطابق نظریه لیپمن مورد استفاده قرار بگیرد، «به خصوص در داستان‌های فلسفی که از ناخودآگاه نویسنده برآمده است». (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴)

داستان‌های مثنوی مولوی، جزو داستان‌هایی است که با تکیه بر شخصیت‌پردازی و پیرنگ قوی، داشتن بنیادهای تفکر، استدلال‌یابی و چالش‌برانگیزی با اصول نظریه لیپمن مشابهت دارد، مزیت اصلی مثنوی تمثیلی بودن آن است که قابلیت تأویل دارد همانگونه که خود مولوی گفته است: و رای قصه‌گویی معنی دارد.

ای برادر قصه چون پیمان‌های است  
معنی اندر وی مثال دانه‌ای است

دانه‌ی معنی بگیرد مرد عقل  
ننگرد پیمان‌ه را گر گشت نقل

(مولوی، ۱۳۹۷: ۴۷۶)

برای یافتن محتوای فلسفی برای کودکان باید خوانش تأویل‌گرانه از متون داشته باشیم یا آن را به داستان کودکانه تبدیل کنیم، در این راستا بازنویسی و بازآفرینی می‌تواند عملی مفید واقع شود که در آنها الگوی پژوهشی لیپمن بررسی شود. تاکنون بازنویسی‌های مختلفی از مثنوی چاپ شده است، که تمامی آنها را می‌توان با این نظریه نقد و بررسی کرد، در این مقاله از این آثار، کتاب‌های ۱۲

جلدی کانون پرورش فکری کودکان انتخاب شده است، این انتخاب به دلیل اهداف کانون است که در جهت پرورش کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کند، نگارندگان مقاله در صدد بررسی این موضوع هستند که آیا نظریه لیپمن در بازنویسی‌های کانون قابل اجراست، نقاط قوت و ضعف آن در چیست، بازنویسی‌های انجام شده با مؤلفه‌های نظریه لیپمن چگونه است و آسیب‌شناسی آنها کدام موارد است.

## ۲- مسأله پژوهش

در سال ۱۳۸۶ به مناسبت هشت‌صدمین سالگرد تولد مولوی، در جهت آشنایی کودکان و نوجوانان با مولوی، مجموعه ۱۲ جلدی از حکایت‌های مثنوی «از نیستان» برای استفاده گروه سنی «د» در مراکز فرهنگی - هنری کانون منتشر شد. در ابتدای این کتاب‌ها بیان شده است، هدف اصلی‌شان آشنا کردن کودکان با مثنوی است: «هشت‌صدمین سالگرد تولد جلال‌الدین محمد بلخی، عارف و سراینده ایرانی قرن هفتم هجری، به عنوان سال بزرگداشت مولوی نامگذاری شده است، به همین مناسبت بر آن شدیم برای آشنایی بیشتر کودکان و نوجوانان با داستان‌های ارزشمند کتاب مثنوی معنوی، گزیده‌ای از آن را انتخاب و با نثری ساده و روان در اختیار علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب ایران اسلامی قرار دهیم، خواندن این داستان‌ها می‌تواند دری به گنجینه پربار و گرانقدر هنر و ادب کهن سرزمین پهناورمان بگشاید و راهی باشد تا نسل‌های آینده را به دقت و توجه به کوشش‌های بی‌کران اندیشمندان و بزرگان گذشته رهنمون شود». (مقدمه مجموعه، ۱۳۸۶: ۱)

کتاب‌ها برای گروه سنی «د» نوشته شده و با تصویرسازی همراه است، یک صفحه تصویر و یک صفحه متن آمده است. حکایت‌ها به نثر برگردانده شده ولی در اکثر آنها ابیاتی از مثنوی آمده است. عنوان کتاب‌ها به شرح زیر است:

نقاشان چینی و رومی (مرجان فولادوند)، طوطی و بازرگان (آتوسا صالحی)، پیرچنگی (محمود پوروهاب)، طوطی و بقال (محمد رضا شمس)، پرنده سخنگو (شکوه قاسم نیا)، گنج و رنج (افسانه شعبان نژاد)، بازار عطاران (جعفر ابراهیمی شاهد)، آرزوی بزرگ، خیلی بزرگ (مجید ملا محمدی)،

چشمه ماه (اسدالله شعبانی)، راز (زهرة پریرخ)، راز آن درخت (مصطفی رحماندوست) و روزی روزگاری (افسانه شعبان نژاد).

این آثار تک حکایت هستند تنها کتاب بازار عطاران شامل سه داستان دباغ در بازار عطاران، مرد گل خوار، درزی زیرک است. در جدول زیر جایگاه کتابها در مثنوی آمده است.

نام کتاب	جایگاه در مثنوی
چشمه ماه	دفتر سوم
گنج و رنج	دفتر ششم
طوطی و بازرگان	دفتر اول
پیر چنگی	دفتر اول
نقاشان چینی و رومی	دفتر اول
دباغ در بازار عطاران	دفتر چهارم
مرد گل خوار	دفتر چهارم
درزی زیرک	دفتر ششم
راز	دفتر دوم
راز آن درخت	دفتر سوم
روزی روزگاری	دفتر اول
آرزوی بزرگ، خیلی بزرگ	دفتر سوم
پرنده سخنگو	دفتر چهارم
طوطی و بقال	دفتر اول

جدول شماره ۱: جایگاه کتابهای بازنویسی شده در دفترهای مثنوی

در کلیت بررسی، مؤلفه‌های نظریه فلسفی لیپمن از جمله دارا بودن مفاهیم فلسفی، سؤال برانگیز بودن، دارا بودن شیوه‌های فلسفی، قابلیت طرح در اجتماع پژوهشی، قابلیت تطبیق با زندگی امروزی، زبان ساده مطابق با زندگی فهم کودک در حکایتها وجود دارد و قرار نیست بازنویسان به این دلیل که رعایت فبک نداشته‌اند، نقد شوند. زیرا؛ هدف اصلی این کتابها، سرگرمی

و آشنایی کودک با مثنوی است، همانگونه که در صفحه اول کتاب‌ها آمده است، اما با هدفی که مولوی از آوردن قصه در مثنوی داشته است، این بازنویسی‌ها بررسی می‌گردد، در آثاری مشخص است که نویسنده از اصل هدف مولوی دور افتاده است و صرفاً بازنویسی ظاهری انجام داده است، در حالی که می‌دانیم هدف مولوی از آوردن قصه، فقط سرگرمی نیست، بلکه رهیافت تعلیمی عرفانی در آن وجود دارد که مفاهیم فلسفی در آنها قابل دریافت است و می‌توان به سهولت حکایت‌ها را در این مقوله بررسی کرد. بنابراین استخراج این مفاهیم و آموزش به کودک در جهت رشد تفکر انتقادی او مفید است و این امر می‌تواند با مؤلفه‌های الگوی لیپمن بررسی شود. در این بازنویسی‌ها، استدلال و تفکر انتقادی ضعیف است، بنابراین این نقد قابل بیان است که در جهت نگارش کتاب‌ها و خوانش آنها در کانون بازنوگری شود، اصول بازنویسی بر اهداف فبک قرار گیرد و یا در جلسات کتابخوانی با مربی این مسأله، هدف کتابخوانی باشد. آموزش برنامه فبک نیز در این دهه در مراکز کانون با جدیت دنبال می‌شود و سلسله نشست‌ها و آموزش‌های متعددی در این زمینه برگزار شده است و نگارش مقالات پژوهشی نیز می‌تواند، راهکار و کمکی به این منظور باشد. در پژوهش حاضر نیز با هدف نقد و بیان آسیب‌های آثار بازنویسی، ساختار زبانی و ساختار محتوایی بازنویسی کتاب‌های بیان شده با نظریه فبک بررسی شده است.

### ۳- پیشینه تحقیق

در میان پژوهش‌هایی که در مورد نقد و بررسی بازنویسی‌های مثنوی با نظریه لیپمن انجام شده است، تاکنون در مورد بازنویسی‌ها کانون پرورش فکری از مثنوی، که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، پژوهش مستقل در دست نیست. افزون بر منابع موجود در مورد نظریه لیپمن که مورد استناد این نوشتار بوده است، چندین تحقیق را می‌شود زمینه و پیشینه این پژوهش در نظر گرفت. از جمله مقاله «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مأمونی امن برای اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان» از ملک‌پور که در چهارمین کنفرانس تعلیم و تربیت در ایران (۱۳۹۲) ارائه داده است، بر توجه به فبک در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تأکید دارد و آن را از بایسته‌های اهداف کانون معرفی نموده است.

مقاله «بازخوانی داستان‌های مثنوی بر مبنای مؤلفه‌های تفکر فلسفی و تدوین راهنمای داستان‌ها برای استفاده در اجتماع پژوهشی» از فاطمه عظمت مدارفرد و همکاران که در نشریه «تربیت اسلامی» (۱۳۹۸، شماره ۲۸) چاپ شده است. نویسندگان نوشته‌اند داستان‌های مثنوی قابلیت تطبیق با نظریه لیپمن را دارد و دو داستان «شتر و موش» و «شغالی که در خم رنگ افتاد» را به عنوان نمونه، بررسی نموده‌اند. مقاله «فلسفه برای کودکان p4c مضامین فلسفی موجود در داستان‌های آذر یزدی مثنوی مولوی» از احمد اکبری و همکاران، که در اولین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی ایران (۱۳۹۴) ارائه داده‌اند، آثار بازنویسی آذریزدی از مثنوی را بر مبنای نظریه لیپمن بررسی کرده و بیان کرده‌اند، بازنویسی وی با نظریه لیپمن منطبق است. عاطفه یوسفی در مقاله «اصول بازنویسی داستان‌های متون کهن فارسی به منظور استفاده در برنامه فلسفه و کودک»، در نشریه «فلسفه و کودک» (۱۳۹۵، شماره ۲) چاپ کرده است، با توصیف چندین مؤلفه فبک، معیارهای یک داستان مناسب برای بازنویسی از منظر نظریه لیپمن را توضیح داده است. در این مقاله بازنویسی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از مثنوی بر پایه نظریه لیپمن بررسی شده است که در پژوهش‌های قبلی موجود نیست، مجموعه ۱۲ جلدی «از نیستان» تاکنون با نظریه لیپمن تحلیل نشده است.

#### ۴- نظریه لیپمن

فلسفه برای کودکان با عنوان نظریه p4c (Philosophy for Children) از سوی میتو لیپمن Matthew Lipman مطرح شده است. این نظریه در ایران با عنوان «فبک» (فلسفه برای کودکان) نامگذاری شده است. لیپمن آن را در سال ۱۹۷۴ بنیانگذاری کرد. البته از اواخر دهه ۱۹۶۰ به بسط و توسعه مفروضات بنیادی آموزش تفکر انتقادی با ارائه برنامه آموزش فلسفه به کودکان پرداخته بود (جهانی، ۱۳۸۶: ۴۰). این نظریه مربوط به فلسفه نیست، بلکه در صدد ایجاد گفتمان تفکر محور است. در واقع هدف برنامه فلسفه لیپمن چنین نیست که موضوعات فلسفی را برای افراد غیر فیلسوف روشن و مسائل آن را حل کند، بلکه می‌خواهد به کودکان کمک کند تا خودشان کار فکری انجام دهند و مسائل خود را حل کنند (لیپمن، ۲۰۰۳: ۵۸). بنابراین با سایر برنامه‌های فلسفه کاربردی

تفاوت دارد. بر طبق نظریه، «اهداف برنامه فلسفه برای کودکان شامل پرورش تفکر خلاق، پرورش تفکر انتقادی، تفکر مسئولانه، پرورش ارزش‌های اخلاقی، آموزش ارزش‌های اخلاقی، آموزش ارزش‌های هنری و نیز رشد روابط فردی و میان-فردی است». (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸) پیشنهادی که لیپمن در جهت رسیدن به این امر دارد، تشکیل اجتماع پژوهشی و خوانش داستان براساس پارادایم‌های آموزشی نظریه است، «برداشت لیپمن از اجتماع پژوهشی، مجموعه‌ای از افراد پژوهشگر و خلاق است که در یک فضایی تحقیقی به دنبال یافتن راه‌حل‌های بدیع و خلاق برای مسائل گذشته هستند». (جهانی، ۱۳۸۶: ۴۵)

## ۵- تحلیل حکایت‌ها با نظریه لیپمن

### ۵-۱ ساختار زبانی بازنویسی‌ها

در داستان‌های فبک باید واژه و جملاتی که متناسب شناخت کودک، گروه سنی و زندگی روزمره اوست، انتخاب شوند. این امر در ایجاد تفکر پژوهشی مهم است که مخاطب کودک به سهولت بتواند با آثار ارتباط برقرار کند و آن را بفهمد. در بازنویسی متون کهن که از نظر زبانی با جامعه امروزی متفاوت هستند، حائز اهمیت است و دقت بسیار می‌طلبد، در واقع در فرآیند بازنویسی، هدف، شناسایی واژه‌های مترادف و آسان به جای کلمات دشوار است. در این کتاب‌ها در مواردی دشوارنویسی، جملات کهن، ابیاتی که معنی نشده‌اند، دیده می‌شود که از نظر زبانی قابل تأمل است و باید گفت زبان نگارش و واژه متناسب برای آن انتخاب نشده است موارد زیر از آسیب‌های مجموعه «از نیستان» است.

### ۵-۱-۱ عدم بازنویسی ابیات مثنوی

مهم‌ترین بخش دشوارنویسی آوردن ابیات مثنوی است که بدون بازنویسی مانده است، بازنویس به جای بخشی از روایت از ابیات استفاده کرده و آنها را توضیح نداده است. از آثار کتاب «پیر چنگی»، «راز»، و «پرنده سخنگو»، ابیات مثنوی نیامده است ولی در مابقی وجود دارد.

در کتاب «نقاشان چینی و رومی»، نویسنده کتاب را با ابیات مثنوی تمام کرده است. (فولادوند، ۱۳۸۶: ۲۶) ابیات مفهوم عرفانی دارند و چون بدون معنی مانده است، در فهم مخاطب ابهام ایجاد می‌کند.

معنای ساده ابیات چنین است: راستی در دل داشته باشی، صداقت داشته باشی، به مقصود می‌رسی، نیاز نیست خود را به تلکف بیندازی، مولوی اهل صیقل را که آینه ساختند، می‌پسندد و می‌گوید دل را صیقلی کنیم و از بخل و کینه دور نگه داریم تا خداوند به دل ما بیاید، سپس اهل صیقل را می‌ستاید که دل را از هر چه غیر خداست دور کردند. در مفهوم عرفانی این حکایت گفته شده است: «در این قصه علم تقلیدی یا «علم اهل حس» که به قیل و قال و بحث و استدلال اشتغال دارند در تقابل با «علم تحقیقی» یا «علم اهل دل» که فراسوی قیل و قال به مکاشفه و استغراق می‌پردازند، قرار گرفته است و سر سخن در آن است که آنچه را اهل برهان با تحمل رنج و مشقت بسیار بدان دست می‌یازند، اهل دل با صیقل زدن صحن سینه از زنگار تعلقات و مجاهده بسی روشن‌تر و دقیق‌تر ادراک می‌کنند و درک ایشان چون از طریق شهود است عاری از وهم و ظن اهل برهان نیز هست». (عبقری، ۱۳۹۳: ج ۱: ۷۱۴) اگر با توجه به نیاز زمانه و نیاز مخاطب هدف مولوی را در بازنویسی بیان کنیم، مولانا به دنبال بیان این سخن است که با صداقت درونی با تکیه قلبی بر خدا در انجام کارها تلاش کنیم و بدانیم بدون تکیه بر خداوند تلاش‌های ما بی‌فایده است.

نویسنده، ابیات را بدون معنی گذاشته است، طبق نظریه فبک، اگر ابیات متناسب فهم مخاطب بازنویسی می‌شد، هدف تعلیمی مولوی روشن می‌گشت. در این طریق، پیام مولوی خالی مانده است.

گاه این ابیات هیچ ارتباطی با داستان ندارد و بازنویس به سلیقه خود آورده است و مخاطب در ارتباط دادن آنها با داستان، دچار مشکل می‌شود؛ در کتاب «طوطی و بقال» ابیات آغازین دفتر اول را آورده است که در حکایت ذکر شده نیست از جمله ابیات:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند ... ب ۱ / هر که جز ماهی ز آبش سیر شد... ب ۱۷ / بند بگسل  
باش آزاد ای پسر ب ۱۹ / گر بریزی بحر را در کوزه‌ای... ب ۲۰ (مولوی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۴ - ۱۵) که



همگی ابیات نمادین هستند و باید تأویل شوند و البته ارتباط با محتوای حکایت ندارند و توضیحی نیز نگفته است.

### ۵-۱-۲ کاربرد واژه های کهن و دشوار

انتخاب واژه های دشوار و مشکل که در مثنوی آمده و در بازنویسی ها تکرار شده است، در مجموعه «از نیستان» دیده می شود. تنها کتاب «آرزوی بزرگ، خیلی بزرگ» نویسنده در پایان کتاب، منبع حکایت را ذکر کرده و چند واژه دشوار را معنی نموده است. (ملاً محمدی، ۲۶: ۱۳۸۶) البته همچنان واژگان دشوار دیگری بدون معنی استفاده شده است مانند واژه ضجّه به معنی گریه و زاری شدید که متناسب فهم کودک نیست: «او ضجّه زد، پای موسی را بوسید...». (همان)

در کتاب «بازار عطّاران» واژه دباغ، درزی، سرگین، گل سرشوی، از متن اصلی است که واژه متناسب برای آنها نیامده است، یا واژه متناسب همراه با آن آمده ولی معنی واژه اصلی گفته نشده است مثل واژه «درزی» در این حکایت.

در داستان «دباغ در بازار عطّاران» در بازنویسی بیهوش شدن دباغ از بوی عطر، فقط ابیات مثنوی را آورده است. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۷) گویا نویسنده برای دوری از کاربرد واژه «سرگین سگ» از بازنویسی گذشته است و البته می توانست به صورت بازآفرینی به جای آن چیز دیگر مانند پیشکل گوسفند بگذارد.

در کتاب «طوطی و بقال» در اصطلاح «کل شدن» طوطی، واژه مناسب مثل کچل شدن، بی شدن را نیاورده است وقتی بقال او را می زند، حتی خارج از متن اصلی، اصطلاح دشوار «گر شدن» را گفته است: «آنقدر بر سر طوطی بخت برگشته کوفت که پره های سرش جملگی بریخت و گر شد». (شمس، ۱۳۸۶: ۲۳) در ادامه وقتی طوطی درویش کچل را می بیند، اصطلاح «کل شدن» گفته است: «تا طوطی سر طاس و بی موی درویش را دید به یاد ریختن روغن و کتک خوردن و کل شدن خود افتاد». (همان: ۲۶)

گاه جملات و واژگانی آمده است که گرچه شاید دشواری چندانی نداشته باشد، ولی متداول زبان امروزی نیست، نمونه های آن در کتاب «چشمه ماه» بارزتر است، واژگان بیشه به جای جنگل،

رای زدن به جای مشورت کردن، زال به جای پیر، اندر به جای در، هجوم به جای حمله، پیل به جای فیل، گریز به جای فرار، بیم به جای ترس و ... آمده است. این واژگان با تأثیرپذیری از کلیله و دمنه است، زیرا؛ بازنویس داستان مولوی را با داستان کلیله و دمنه در آمیخته است و البته اصلاً به این موضوع که اقتباس از کلیله نیز شده، اشاره‌ای ندارد، جملاتی از این کتاب نیز در آن درج کرده است و می‌توان گفت، کتاب بازنویسی از کلیله و دمنه است تا مثنوی. موضوع آمدن خشکسالی و کوچ پیلان، عنوان چشمه ماه برگرفته از کلیله و دمنه است. همچنین جملاتی با سبک زبانی کلیله و دمنه نوشته شده است مانند جمله:

«خرگوش زال اندکی اندیشید و سپس گفت ای پادشاه خردمند، سخن تو نیکوست، اما خود دانی که خردمندان به آسانی دل از آشیان خویش بر نمی‌کنند و خویشان را به دشواری نمی‌افکنند.» (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۸)

یا جملاتی آمده است که نیاز است مربی‌ای آنها را توضیح دهد مانند جمله زیر در «گنج و رنج»  
مرد جوان از کاخ به در آمد و کوخ نشین شد. (شعبان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۲)  
یا ضرب‌المثل زیر در «بازار عطاران»  
«آنچه جوان در آینه ببیند، پیر در خشت خام ببیند.» (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۳۰)

### ۵-۱-۳ عدم توجه به تناسب واژه‌ها با اهداف آموزشی

گاه واژگانی آمده است که در ساختار بازنویسی در راستای محتوا یا پیام داستان می‌تواند مسأله ساز باشد مثل واژه «هاتف» در «گنج و رنج»، در معنی سروش و ندای غیبی، (عبقری، ۱۳۹۳، ج ۶: ۵۸۱) بازنویس با تکیه به متن اصلی این واژه را آورده و معنی و توضیحی نداده است و مسلماً مخاطب با آن آشنا نیست. «هاتفی در خواب او را صدا کرد، مرد جوان سراسیمه سرش را به سوی صدا چرخاند، نوری دید که چشم طاقت دیدارش را نداشت و صدایی شنید که گوش را نوازش می‌داد، صاحب صدا گفت: خداوند ناله‌های تو را شنید و دعایت را پذیرفت. او می‌خواهد به بزرگواری خود، آسایش و آرامش را به تو بازگرداند.» (شعبان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵)

با توجه به تخیلی بودن بئیه داستان، نویسنده می‌توانست به صورت بازآفرینی شخصیتی عینی‌تر در داستان خلق کند که سعی و کوشش را به جوان عیاش پیاموزد و با اهداف آموزشی فبک همسو شود.

یا کاربرد واژه «حیله» در «چشمه ماه» در هدف آموزشی شاید واژه مناسبی نباشد، بازنویس در دلیل خرگوشان برای بیرون کردن پیلان گفته است: «خردمندان گفته‌اند که چون به نیرو از پس دشمنان برنیاید به حیله و نیرنگ روی آرید و اکنون چاره کار در آن است که راهی بیندیشیم و حیله‌ای به کار بندیم تا مگر پیلان را برانیم و خود بر این بوم و بر بمانیم». (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸) مفهوم حیله‌ورزی در مثنوی آمده است، اما در آنجا این حکایت بدون هدف تعلیمی است و صرفاً از زبان قوم سبا در بی‌اعتقادی به انبیاء آمده است، آنها با این حکایت در صدد بودند به انبیاء بگویند شما مثل خرگوشان هستید که قصد فریب دارید، اما ما آن پیلان نیستیم که فریب بخوریم. مطابق بیان مولوی، خرگوش که رسالتش بنیان و اساسی نداشت با مکر توانست عده‌ای جاهل و ساده‌دل را که شاه پیلان نماد آن است از عیش نقد خویش محروم بدارد. (عبقری، ۱۳۹۳: ۳۹۰) در کلیله و دمنه این حکایت، در باب بوف و زاغ از زبان زاغ برای جمع مرغانی که قصد داشتند بوم را امیر خویش گردانند، بدین هدف نقل شده است که جمع مرغان از متابعت بوم و اندیشه ولایت او سرباز زنند اما در دلیل عدم متابعت از بوم بر زیرکی و دها تأکید دارد و در توصیف آن این حکایت را آورده و زیرکی خرگوشان در بیرون کردن دشمن قوی از سرزمینشان را گفته است.

نویسنده در اقدامی بجا مطابق کلیله و دمنه، پیلان را دشمن خرگوشان گرفته است که خرگوشان تلاش می‌کنند آنها را از سرزمین خود دور کنند و همین موضوع بحث مقابله با دشمن قوی را می‌تواند به مخاطب نوجوان آشنا کند. اما بازنویس به دلیل توجه نکردن در مفهوم واژگان، نتوانسته انتخاب درستی انجام دهد. در پیروی از اصل حکایت از کلیله و دمنه می‌توانست واژه «زیرکی» را انتخاب کند، اما به ظاهر حکایت در مثنوی اکتفا کرده و واژه حیله را آورده است حال آنکه آوردن واژه حیله‌ورزی و یاد دادن حیله به کودک ممکن است در هدف آموزشی اشکال ایجاد کند، از طرفی داستان دارای محتوای فلسفی دشمن‌شناسی، مبارزه با دشمن قوی، تدبیر در بیرون راندن دشمن را دارد که می‌توان با ساختار مناسب و واژگان مناسب، ذهن کودک و نوجوان را در

این مورد به چالش کشاند و آموزش داد «از نظر لیپمن، نویسندگان فلسفه برای کودکان می‌توانند در هر صفحه، روابط، مسائل و معانی ظریف فلسفی را جا دهند، یک جمله یا کلمه، کودکان را برمی‌انگیزد ... و جستجوی (کاوش) آنان آغاز می‌شود». (خسرونژاد، ۱۳۸۶: ۱۲)

در این داستان می‌شود برای هدف آموزشی به جای واژه حيله، واژه زیرکی، فکر، اندیشه، سیاست، چاره‌گری، تلاش، مشورت کردن، همفکری آورده شود که بار مثبت دارد و ضمن آموزش سیاست‌مداری به کودک و نوجوان، بیرون راندن دشمن قوی را بدون جنگ و خونریزی به آنها آموزش داد.

#### ۵-۲ ساختار محتوایی بازنویسی ها

طبق نظریه لیپمن محتوای انتخاب شده باید تفکر برانگیز، قابل فهم و کارآمد باشد؛ در واقع بهبود توانایی تعقل، پرورش خلاقیت، رشد روابط فردی و میان فردی، پرورش درک اخلاقی، پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه (قاعدی، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۱) از اهداف فبک است. «در آموزش تفکر انتقادی نیز چون بخشی از کل جریان تعلیم و تربیت، باید ماهیت پژوهشی تفکر مورد توجه قرار گیرد و افراد به جای انباشتن نتایج تفکر دیگران یا از بر کردن انتقادهای وارد شده بر مسایل مختلف، خود به تفکر انتقادی پردازند و این مسیر را چون جریانی پژوهشی بپیمایند». (جهانی، ۱۳۸۱: ۴۱) در این راستا، چالش‌پذیری با ایجاد گفتگو و طرح سؤال و پاسخ و طرح استدلال در داستان پیشنهاد شده است.

در بررسی کتاب‌های مورد مطالعه، این موارد در ارتباط با اصل حکایت قابل بررسی و نقد است. «بازنویس باید توجه کند که تنها بازنویسی چهارچوب و رویدادهای داستان به زبان کودکان و ساده به معنی بازنویسی اثر مولانا نیست، بلکه باید به درستی راهی برای انتقال آن تأویلات و پیام‌ها نیز بیابد» (اخوت، ۱۳۸۹: ۳۹۹)

در این کتاب‌ها، بن‌مایه‌های فلسفی در تمامی حکایت‌ها متناسب گروه سنی «د» دیده می‌شود. در جدول زیر، هدف مولوی و مفهوم فلسفی لیپمن به صورت کوتاه آمده است.

نام کتاب	هدف مولوی از بیان حکایت	دارا بودن مفهوم فلسفه برای کودکان
چشمه ماه	محروم کردن جاهلان از عیش نقد با حيله	سیاست و تدبیر، جهالت
گنج و رنج	انسان باید به دنبال گنج مقصود در درون خویش باشد و آن هم موقوف جهد است	اسراف و عیاشی، تلاش و کوشش، خودشناسی، تکیه بر همت خود، اهمیت دعا و ذکر در گشایش امور
طوطی و بازرگان	مرگ ارادی	عدم دلبستگی، رهایی و آزادگی
پیر چنگی	انسان باید به دنبال خواسته خود از خداوند باشد نه مخلوق عنایت الهی به ظاهر انسان ها نیست	اخلاص برای خداوند، برآورده شدن حاجات مهربانی خداوند در حق بنده معیار نبودن ظاهر در قضاوت انسان ها
نقاشان چینی و رومی	تقابل اهل تحقیق در برابر اهل مکاشفه و دل	تفاوت تلاش ها در رسیدن به مقصود
دباغ در بازار عطاران	جان با غوطه ورگشتن در زندگی غافلانه تنزل می یابد و به پلیدی ها خو می گیرد	عادت کردن به خواهی پلید و گرفتار شدن تأثیر محیط در روان آدمی
مرد گل خوار	مرشد روحانی از تغافل مرید مبتدی آگاه است	حماقت و ضرر
درزی زیرک	آدمی با عقل جزوی مدعی بصیرت است اما اسیر شهوات می شود و غافل می ماند و روزگار همچون درزی عمر او را می برد	حماقت و زیرکی
راز	درخت علم	علم آموزی برای زندگی بهتر
راز آن درخت	عقل آدمی با استمداد از مظهر حق می تواند نفس را بکشد و به فضایل معنوی دست یابد.	تحقیق و تفحص کردن در روشن شدن حقیقت.
روزی روزگاری	تقابل دانش ظاهری با دانش معنوی که رستگاری انسان با علوم ظاهری نیست و باید محو در حق شود.	ارزشمندی تمام علوم برای زندگی.
آرزوی بزرگ، خیلی بزرگ	اسرار الهی مختص خاصان است و هر دلی شایستگی احراز چنین جایگاهی را ندارد. زیان مالی دافع زیان جانی است	دفع قضای بد، آرامش، صدقه
پرنده سخنگو	پند گفتن با جاهل بی فایده است	حماقت و ضرر
طوطی و بقال	زیان قیاس باطل و بیان حال عارف بالله با مردمان عادی	عدم شناخت و مقایسه نا به جا

جدول شماره ۲: اهداف مولوی و مفهوم فلسفی لیپمن

موارد زیر در نقد و بررسی کتاب‌ها قابل بیان است.

### ۵-۲-۱ نادیده گرفتن اهداف مولوی

اولین سؤال در نظریه لیپمن این است:

منظور و مفهوم داستان چیست؟ در جواب این سؤال در بازنویسی‌ها، اغلب می‌بینیم محتوای اصلی و هدف مولانا نادیده گرفته شده است، در حالی که بازنویسان با دقت در مفهوم و منظور حکایت، بهتر می‌توانستند، به آموزش مخاطب بپردازند، در بررسی آثار با مفاهیم فک و مولوی، بازنویس‌ها از اهداف مولوی دور شده‌اند.

در کتاب «گنج و رنج» هدف مولوی این است که جهد و کوشش را با کمک پیر آموزش دهد، تأکید او بر خودشناسی و جستجوی خوشبختی در درون خود و وابسته نشدن به شرایط بیرونی است و تأثیر دعا را در گشایش امور نشان داده است. عنوان کتاب، گویای این موضوع است، اما در بازنویسی تنها به خاطر بازنویسی ظاهر داستان، رنج و تلاش در جهت رسیدن به مقصود به صورت صریح نیامده و تلقینی مانده است، بر طبق هدف مولوی «گنج مقصود در وجود آدمی و در خانه دل اوست و اینکه آدمی در طلب آن می‌کوشد و می‌جوشد در تبیین رمزی است که رسیدن به «گنج مقصود» موقوف جهد است که از آن گریزی نیست و رفتن به مصر، رمزی از یافتن مصر وجود کامل و اصلی است که نشان گنج درون وی را به او بنماید، همچنین در بیان این معنا نیز هست که رزق ظاهری و باطنی آدمی از موضعی که مشیت الهی بر آن مقرر گشته است، می‌رسد و اسباب و علل فقط وسیله‌اند نه هدف و حکمت الهی وابسته به اسباب نیست و گاه ضلالت را بدل به هدایت می‌کند و اندرون زهر، تریاق می‌نهد». (عبقری، ۱۳۹۳، ج ۶: ۵۷۶ - ۶۷۷)

در بازنویسی شخصیت اصلی داستان، یک فرد عیاش و اسراف کار توصیف شده است که وقتی پول دارد، آن را با خوشگذرانی اسراف می‌کند، وقتی بی‌پول است به درگاه خدا دعا می‌کند، مخاطب می‌تواند پرسد؟

چرا مرد کار نمی‌کرد چرا به جای کار کردن و پول در آوردن به درگاه خدا التماس می‌کرد، او نه بیمار بود نه ناتوان و نه پیر می‌توانست با کار کردن زندگی کند.

حضور هاتف در داستان و راهنمایی وی با رفتن به مصر و اتفاق آنجا که جوان متوجه می‌شود گنج در خانه اوست، استدلال‌پذیری ضعیفی در منظور و مفهوم داستان برای مخاطب نوجوان ایجاد کرده است. این سؤال برای او ایجاد می‌شود که

- آیا به خواب‌ها اعتماد کنیم؟

- آیا بدون تلاش باید منتظر باشیم کسی گنج را به ما نشان بدهد؟

- آیا فقط باید دعا کنیم؟

در حکایت مثنوی، همانطور که گفته شد، آمدن هاتف و هدایت مرد میراثی به مصر به صورت تمثیلی وجود انسان کامل و جهد و تلاش برای سالک است که با هدایت پیر، گنج را در درون خود بیابد، در بازنویسی طبق همین هدف عمل نشده است. جوان بر اثر خواب و سخن هاتف به مصر می‌رود و طبق حادثه‌ای از زبان مأموری می‌شنود که گنج در خانه اوست، به خانه بر می‌گردد و آن را پیدا می‌کند و مسلماً دوباره به خوشگذرانی می‌پردازد، در این استدلال مهم‌ترین مسأله که تلاش کردن است، نادیده گرفته شده است. مولانا از ظاهر این داستان با هنرمندی توانسته اهداف تعلیمی خود را بازگو نماید. نویسنده کتاب اغلب به جای بازنویسی در موارد اصلی، فقط ابیات را آورده و توضیحی نداده است در حالی که می‌توانست مثلاً با ایجاد گفتگوی چالش برانگیز هاتف و جوان، مأمور و جوان یک تفکر انتقادی در مخاطب ایجاد کند و تلاش کردن را بیاموزد و به اهداف مولوی نزدیک شود.

## ۵-۲-۲ استدلال‌یابی نامطلوب

چالش برانگیزی داستان و طرح استدلال از مؤلفه‌های دیگر نظریه لیپمن است، براساس نظریه لیپمن «داستان می‌تواند عمیق‌ترین چالش‌های ذهنی کودکان را در خود جای دهد. یک داستان خوب دنیای مقبولی را به عنوان کندوکاو ذهنی برای کودک به تصویر می‌کشد» (Fisher, 1996:1) در اینگونه داستان‌ها، دیده انتقادی کودکان با طرح سؤال و گفتگو برانگیخته می‌شود، در کتاب‌های مورد بررسی، طرح سؤال ضعیف است، غیر از داستان «طوطی و بازرگان»، گفتمان خارج از متن اصلی

نیامده است، همچنین بازنویسان در چگونگی و شرح ماجراها سؤالی را مطرح نکرده‌اند در حالی که می‌شد با اهداف تعلیمی و آموزشی در انتقال پیام‌های حکایت، سؤالاتی طرح شود.

گاه بازنویسان تلاش کرده‌اند با ایجاد گفتمان در داستان، تغییراتی در محتوا بدهند، اما موفقیت در استدلال‌یابی نامطلوب است، نمونه آن در «طوطی و بقال» است که بازنویس داستان را با گفتمان میان مرشد و بچه مرشد با این عبارت «بگم مرشد، بگو بچه مرشد» روایت می‌کند، اما این گفتمان در ایجاد استدلال و چالش برانگیزی کمکی نکرده است، زیرا؛ فقط روایت ساده از ظاهر حکایت از زبان بچه مرشد گفته شده است و سخنی از نتیجه و هدف مولوی نیست.

یا در کتاب «پرنده سخنگو» بازنویس به جای شکارچی در حکایت مولوی با ایجاد شخصیت کله کدو، - که مردی پرخور و جاهل است - با پرنده سخنگو گفتمان ایجاد کرده است، اما صرفاً در ظاهر حکایت مانده است و همانند کتاب قبلی فقط روایت ظاهری را آورده است.

از میان آثار، کتاب «طوطی و بازرگان» در این مورد در مقایسه کلی موفق بوده است، نویسنده با آفرینش شخصیت دختر بچه و پدر بزرگ و گفتمان آنها در روایت قصه، در قالب سؤالات دختر بچه از پدر بزرگ، چالش و پرسمان را ایجاد کرده و توانسته با تفکر انتقادی پیام داستان را منتقل کند، هرچند کاملاً موفق نیست، برای نمونه در یکجا آورده است.

وقتی طوطی به بازرگان می‌گوید به طوطیان هند بگو که من اینجا در قفسم و آنها آزاد و رها می‌گردند، گفته است: «قطره‌ای اشک از چشم بازرگان بر بال طوطی چکید، دخترک پرسید: بازرگان چرا گریه کرد؟ چرا؟ پدر بزرگ گفت: چون دلش برای طوطی‌اش سوخت، چون نمی‌خواست او را غمگین ببیند، چون دوستش داشت. اگر دوستش داشت، پس چرا توی قفس زندانی‌اش کرده بود؟ چرا آزادش نمی‌کرد؟ چرا نمی‌گذاشت پرواز کند و هر جا که می‌خواست برود؟ (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۲)

پرسش دختر بچه همان تفکر انتقادی است که مخاطب در مواجهه با آن در ذهنش کاوش می‌کند ولی بازنویس از زبان پدر بزرگ پاسخی به دختر نگفته و روایت داستان را ادامه داده است و خود به خود این چالش نادیده گرفته شده است، اما پیام داستان چند بار از زبان پدر بزرگ در جواب سؤال دختر بچه آمده است، وقتی طوطی هندوستان خود را به مردن می‌زند در اینجا بازنویس



توانسته در گفتمان میان آنها، ارزشمندی زندگی در عدم وابستگی مادی را توضیح دهد بویژه این که اصطلاح قفس ساختن آدم‌ها در زندگی را برجسته کرده است.

«دخترک سر بلند کرد: کاش طوطی نمی‌مرد، بیچاره طوطی، بازرگان اگر بفهمد، غمگین‌تر و تنهاتر می‌شود، لبخندی چهره پدربزرگ را پوشاند: از مرگش غمگین نشو. به مرگش فکر کن، بین شاید در مرگ او رازی پنهان باشد، رازی که بتواند مثل یک کلید، در قفلی بچرخد و دری را به رویت باز کند. دخترک فکر کرد: مثلاً در قفس طوطی را؟ پدر بزرگ گفت و در هر قفسی را ممکن است پرندگانی مثل طوطی برای خود بسازند، دخترک پرسید مگر پرنده‌ای هم پیدا می‌شود که برای خودش قفس بسازد، پدربزرگ عینک فلزی‌اش را از چشمش برداشت و سر تکان داد: پیدا می‌شوند و چه قفس‌هایی هم که برای خود نمی‌سازند، قفس‌های خوش رنگ و لعاب با میله‌های نقره‌ای و قفل طلایی. بعضی‌ها هم اینکه به قفس دل نمی‌بندد، اما به آن عادت می‌کنند، بعضی‌ها هم به قفس به چشم یک خانه نگاه می‌کنند، خانه‌ای امن، جایی که سقفی دارد و حفاظی و آنها را از سر دشمنان تیز چنگال و باد و باران و طوفان در امان می‌دارد، دخترک سر چرخاند و به پنجره خیره شد: فکر کنم راز مرگ طوطی را فهمیدم». (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶)

از میان آثار تنها در داستان «مرد گل خوار» از کتاب «بازار عطاران» پایان با سؤال تمام شده است. «راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکر شکن شیرین گفتار چنین روایت کرده‌اند که آنها نیز خود نتوانسته‌اند دریابند که در این حکایت، نادان و احمق واقعی کدامیک از آن دو مرد است؟ عطار طمعکار یا مرد گل خوار؟». (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۲۷)

چالش ذهن مخاطب کودک و نوجوان در جوابدهی به این سؤال در تفکر انتقادی می‌تواند مفید باشد زیرا در جوابدهی به سؤال حتماً به استدلال نیاز دارد، اما کاملاً با گفته مولانا متناقض است، در حکایت اصلی عطار مرشد روحانی است که گرچه به مرد گل خوار (انسان غافل که مشغول دنیا شده است) اجازه می‌دهد گل بخورد ولی «سرانجام سیطره روحانی و نفوذ معنوی و باطنی مراد، مشتاقانه می‌کوشد تا او را از گل خواری برهاند». (عبقری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۱۳) در بازنویسی حماقت گل خوار و عطار مورد پرسش قرار گرفته است و عطار نیز شخصیت منفی دارد و چون پیامی به مخاطب نوجوان منتقل نمی‌کند، قابل نقد است.

## ۵-۲-۳ پایان بندی نامناسب

در چند کتاب بازنویسان، پایان داستان را به صورت پایان باز یا با ابهام آورده اند که با پایان حکایت مثنوی متفاوت است، این خود طرحی در ایجاد تفکر خلاق است که مخاطب کودک و نوجوان می تواند در چگونگی سرانجام آنها، تصمیم بگیرد و راهکاری برای ایجاد تفکر پژوهشی است، اما نویسندگان در انتخاب پایان مناسب که چالش برانگیز باشد، ضعف دارند.

در کتاب «آرزوی بزرگ، خیلی بزرگ» طبق حکایت مثنوی، مرد که نمی تواند قضای الهی را برگرداند، می میرد و موسی که می داند دیگر نمی تواند قضای الهی را برگرداند، دعا می کند که وی مسلمان از جهان برود، اما در بازنویسی مرد به دیدار موسی می رود و از او خواهش می کند که از خدا بخواهد توبه اش را بپذیرد، داستان در پایان با این جمله تمام می شود: «موسی چشم به آسمان دوخت تا پاسخ خداوند را به ارباب بگوید» (ملاً محمدی، ۱۳۸۶: ۲۶) این پایان چالش در ذهن مخاطب ایجاد می کند که پاسخ خداوند چه می تواند باشد و در مورد آن بحث می کنند اما این مسأله که قضای الهی بر نمی گردد و مولوی در حکایتش بر آن تأکید دارد در ابهام می ماند.

در داستان «طوطی و بقال» پایان داستان طبق حکایت مثنوی با جمله طوطی به درویش کچل تمام می شود، اما در بازنویسی آمده است طوطی بعد از گفتن این سخن به درویش، در اندیشه دیگری بود که فرار کند. (ر.ک. شمس، ۱۳۸۶: ۲۸) فرار کردن طوطی یک راهکار است، اما چالشی ایجاد نمی کند و می توان با پایان باز که طوطی در چه اندیشه ای است یک تفکر پژوهشی ایجاد کرد مخاطب را به چالش کشید.

فقط در داستان «پیر چنگی» در متن مثنوی، پیر مرد چنگی در قبرستان می میرد، اما در بازنویسی مستقیماً و مشخص بیان نکرده که او مرده، بلکه با پایانی باز که از نظر فبک چالش انگیز است، داستان را تمام کرده است: «پیر چنگی از خود بی خود شده بود، جام دریده بود و افغان و زاری می کرد، آنگاه بر خاک افتاد و چون پرنده زخمی، بر خود لرزید. خلیفه کنارش زانو زد، ای پیر چنگی، امشب خدا مرا و تو را شرمنده خود کرد ولی پیر چنگی...» (پوروهاب، ۱۳۸۶: ۲۲)

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش مجموعه ۱۲ جلدی «از نیستان» که با هدف معرفی و شناسایی مولوی به مخاطب نوجوان به مناسبت هشتصدمین سالگرد مولوی نوشته شده بود، براساس اهداف فبک نقد و بررسی شد، در این بررسی مشخص شد با وجود بن‌مایه‌های فلسفی در حکایت‌ها، نویسندگان به دلیل عدم درک محتوای اصلی حکایت و بی‌دقتی در توجه به اهداف تعلیمی مولوی، در انتقال مفاهیم آموزشی ضعیف هستند و اغلب در بازنویسی ظاهری حکایت مانده‌اند. براساس اهداف فبک، بازنویسی‌ها از توانایی لازم برای رشد مهارت‌های استدلالی میان کودکان، عنصر چالش برانگیزی و گفتگو مطابق تفکر انتقادی در وضعیت نامطلوب هستند. هر چند در راستای تفکر خلاق برخی توانسته‌اند با ایجاد گفتمان، طرح سؤال، پایان‌بندی باز، ایجاد شخصیت‌های تازه، عوض کردن ساختار روایی، تازگی داشته باشند، اما در کلیت آثار جنبه آموزشی و تعلیمی در اولیت نگارش بازنویسی‌ها قرار نگرفته است و بازنویسی‌ها ساده است و مطابق اصول فبک قابل نقد است، لذا پیشنهاد می‌شود در بازنویسی متون، لزوم توجه به فبک به عنوان یک معیار در نظر گرفته شود و همچنین با تشکیل جلسات کتابخوانی با مربی به صورت اجتماع پژوهشی، اهداف فبک در بازنویسی‌ها مورد بررسی قرار گیرد و بر این اساس، بازنویسی‌ها خوانش دوباره قرار بگیرد.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف: کتابنامه

- ۱ - ابراهیمی (شاهد)، جعفر، (۱۳۸۶)، *بازار عطاران*، تصویرگر: محمد مهدی طباطبایی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۲ - پوروهاب، محمود، (۱۳۸۶)، *پیرچنگی*، تصویرگر: علی شکاری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۳ - شعبان نژاد، افسانه، (۱۳۸۶)، *گنج و رنج*، تصویرگر: فاطمه رادپور، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۴ - شعبانی، اسدالله، (۱۳۸۶)، *چشمه ماه*، تصویرگر: هدی حدادی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۵ - شمس، محمدرضا، (۱۳۸۶)، *طوطی و بقال*، تصویرگر: امیر شعبانی‌پور، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۶ - صالحی، آتوسا، (۱۳۸۶)، *طوطی و بازرگان*، تصویرگر: نیره نقوی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۷ - عبقری، ناهید، (۱۳۹۳)، *شرح مثنوی معنوی (با نگاهی تطبیقی به مبانی عرفان نظری)*، ۶جلدی، مشهد: بانگ نی.
- ۸ - فولادوند، مرجان، (۱۳۸۶)، *نقاشان چینی و رومی*، تصویرگر: مانلی منوچهری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۹ - قاسم‌نیا، شکوه، (۱۳۸۶)، *پرندۀ سخنگو*، تصویرگر: مهکامه شعبانی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۰ - قائدی، یحیی، (۱۳۸۳)، *مبانی آموزش فلسفه به کودکان*، با مقدمه میرعبدالحسین نقیب‌زاده، تهران: دوواوین.

- ۱۱ - ملامحمدی، مجید، (۱۳۸۶)، *آرزوی بزرگ، خیلی بزرگ*، تصویرگر: علی شکاری، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ۱۲ - مولوی، جلال‌الدین، (۱۳۹۷)، *مثنوی معنوی*، ۲ ج، به تصحیح محمدعلی موحود، تهران: هرمس.

### ب- مقالات

- ۱۳ - اخوت، فرزانه، (۱۳۸۹)، *نگاهی بر بازنویسی‌های مثنوی معنوی، برای کودکان و نوجوانان*، پژوهشنامه ادب حماسی، ۶(۹)، صص: ۴۱۷-۳۹۶.
- ۱۴ - اکبری، احمد؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ شعبانی ورکی، بختیار و تقوی، محمد، (۱۳۹۱). «*فلسفه برای کودکان (P4c) مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی*». تفکر و کودک، ۳(۶)، ص: ۲۵-۱.
- ۱۵ - جهانی، جعفر، (۱۳۸۱)، «*نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتیو لیپمن*»، فصلنامه دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۴۲، صص: ۳۵-۵۵.
- ۱۶ - \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، «*بررسی تأثیرات برنامه آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان*»، مطالعات برنامه درسی، شماره ۷، صص: ۳۷-۵۹.
- ۱۷ - خسرونژاد، مرتضی، (۱۳۸۶)، «*تأملی بر هم‌نشینی ادبیات کودک و فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان*»، نشریه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۰، صص: ۱۰۹-۱۲۴.
- ۱۸ - رشتچی، مژگان، (۱۳۸۹)، «*ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر*»، مجله تفکر و کودک، شماره ۲، صص: ۲۳-۳۷.
- ۱۹ - عظمت‌مدارفرد، فاطمه؛ حسنعلی بختیار نصرآبادی و محمدحسین حیدری، (۱۳۹۸)، «*بازخوانی داستان‌های مثنوی بر مبنای مؤلفه‌های تفکر فلسفی و تدوین راهنمای داستان‌ها برای استفاده در اجتماع پژوهشی*»، دوفصلنامه تربیت اسلامی ۱۴ (۲۸)، صص: ۵۲-۲۹.

---

۲۰ - فتحی لیلا، احقر قدسی، نادری، عزت الله، (۱۳۹۷)، «تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان (P4C) به روش پژوهش مشارکتی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان» فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۵ (۱) صص: ۷-۱۸.

۲۱ - هدایتی، مهنوش؛ کوشا، مژگان، (۱۳۹۶)، «مشارکت در حلقه های کندوکاو و تأثیر آن بر مهارت تفکر انتقادی در سواد رسانه ای»، رسانه و فرهنگ، شماره ۱ (۷)، صص: ۱۹۰ - ۱۷۱.

ج: منابع لاتین

- 22- Lipman, M. (2003). Thinking in education. New York, NY: Cambridge University Press.
- 23- Fisher, Robert. 1996. Stories for thinking. Nash Pollock Publishing.